

نقش میانجی واکنش مادر به هیجانات منفی کودک در ارتباط بین اضطراب مادر و نافرمانی مقابله‌ای کودک

The Mediating Role of Maternal Response to Child's Negative Emotions in the Relationship between Maternal Anxiety and Child Oppositional Defiant Behavior

Mahdi Abdollahzadeh-Rafi, PhD

Sajad Batouei, MSc[✉]

مهدی عبدالله‌زاده رافی^۱

سجاد بتویی^۲

Abstract

The present study aimed to investigate the mediating role of maternal responses to children's negative emotions in the relationship between maternal anxiety and oppositional defiant behavior in children. This research employed a correlational design using structural equation modeling (SEM). The statistical population included 454 first- and second-grade primary school students in Malayer and their mothers. A multistage cluster sampling method was used for participant selection. Data were collected through the Child Behavior Checklist (CBCL), the Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES) and the Depression anxiety stress scale. Data analysis was conducted using SmartPLS3 software through structural equation modeling. The results indicated that maternal anxiety had a direct and positive effect on children's oppositional defiant behavior. Furthermore, maternal anxiety was associated with a decrease in supportive responses and an increase in non-supportive responses to the child's negative emotions. While supportive maternal responses were found to have a significant negative effect on oppositional behavior, non-supportive responses did not show a statistically significant impact. Neither supportive nor non-supportive maternal responses demonstrated a significant mediating role in the relationship between maternal anxiety and child oppositional defiance. These findings suggest that maternal anxiety contributes directly to increased oppositional defiant behavior in children, independently of maternal emotional responses. The results underscore the importance of direct interventions aimed at reducing maternal anxiety, as well as training mothers in supportive parenting practices to prevent oppositional defiant behavior in children.

Keywords: Maternal Anxiety, Oppositional Defiant Behavior, Maternal Response, Child Emotions

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی واکنش مادر به هیجانات منفی کودک در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی مقابله‌ای کودک انجام شد. این مطالعه از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود که روی ۴۵۴ دانش‌آموز پایه اول و دوم دبستان شهر ملایر و مادران آنها انجام شد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد و داده‌ها با استفاده از فهرست رفتاری کودک (CBCL)، مقیاس واکنش به هیجانات منفی کودک و مقیاس اضطراب، افسردگی و استرس جمع‌آوری گردید. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار smart-PLS3 و از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. نتایج نشان داد که اضطراب مادر به‌صورت مستقیم و مثبت بر نافرمانی مقابله‌ای کودک تأثیر می‌گذارد. همچنین، اضطراب مادر با کاهش واکنش‌های حمایتی و افزایش واکنش‌های غیرحمایتی همراه بود. بااین‌حال، واکنش‌های حمایتی مادر به‌تنهایی تأثیر منفی و معناداری بر نافرمانی کودک داشتند، درحالی‌که واکنش‌های غیرحمایتی تأثیر معناداری نشان ندادند. هیچ‌یک از واکنش‌های مادر (حمایتی و غیرحمایتی) نقش میانجی معناداری در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی کودک نداشتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اضطراب مادر به‌صورت مستقیم و بدون واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی مادر، منجر به افزایش نافرمانی مقابله‌ای در کودک می‌شود. این نتایج بر اهمیت مداخلات مستقیم برای کاهش اضطراب مادران و همچنین آموزش مهارت‌های فرزندپروری حمایتی به‌منظور پیشگیری از نافرمانی مقابله‌ای کودکان تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: اضطراب مادر، نافرمانی مقابله‌ای، واکنش

مادر، هیجانات کودک

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۴/۲ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۹/۹

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

● مقدمه

کودکان به عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر، در معرض انواع اختلال‌های روان‌شناختی قرار دارند. اختلال‌های رفتاری در کودکان از جمله مسائلی هستند که نه تنها بر رشد و سلامت روانی آنان تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند موجب بروز چالش‌های جدی در روابط خانوادگی و اجتماعی نیز شوند. براساس پژوهش‌ها، حدود ۱۵ تا ۲۲ درصد از کودکان در طول زندگی خود اختلال‌های رفتاری و هیجانی را تجربه می‌کنند. یکی از این اختلال‌ها، نافرمانی مقابله‌ای (oppositional defiant disorder) است که با الگوهای پایدار بی‌توجهی به دستورات بزرگ‌ترها، مخالفت و مقاومت در برابر درخواست‌ها شناخته می‌شود. شیوع این اختلال در میان کودکان پیش‌دبستانی یا اوایل سن مدرسه بین یک تا یازده درصد گزارش شده است.

اختلال نافرمانی مقابله‌ای با نشانه‌هایی همچون رفتارهای خصمانه، نافرمانی، منفی‌گرایی، عدم اطاعت‌پذیری، خلق‌وخوی تند، مشاجره با بزرگ‌سالان، رد درخواست‌ها و قواعد آنان، انجام رفتارهای بدون تفکر که موجب رنجش دیگران می‌شود، سرزنش دیگران به سبب اشتباه‌های خود، زودرنجی، حساسیت، پرخاشگری و رفتارهای کینه‌توزانه و مغرضانه مشخص می‌شود. برای تشخیص این اختلال، دست‌کم ۴ مورد از این نشانه‌ها باید به مدت ۶ ماه تداوم داشته باشد. وجود این اختلال می‌تواند روابط کودک با خانواده، همسالان و معلمان را مختل کرده و در نهایت منجر به کاهش عملکرد تحصیلی، اضطراب، افسردگی و سایر مشکلات روان‌شناختی در مراحل بعدی زندگی شود. در صورت نبود مدیریت مناسب، این رفتارها ممکن است به اختلال‌های جدی‌تری مانند اختلال سلوک (conduct disorder) و رفتارهای ضداجتماعی (antisocial) در نوجوانی منجر شوند.

پژوهش‌های سبب‌شناختی نشان داده‌اند که بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای نتیجه ترکیبی از عوامل زیستی (biologic)، محیطی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی است. در این میان، عوامل محیطی و خانوادگی به سبب تأثیر مستقیم بر رشد هیجانی کودک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مادران به عنوان مراقبان اصلی در بسیاری از فرهنگ‌ها، نقش اساسی در پرورش، تنظیم هیجانات و شکل‌دهی به سبک‌های رفتاری کودکان دارند. یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه، اضطراب مادر است که می‌تواند با افزایش مشکلات هیجانی و رفتاری کودک در ارتباط باشد. اضطراب مادر بر شیوه‌های تربیتی و واکنش‌های او نسبت به رفتارهای کودک تأثیر می‌گذارد.

مادران مضطرب معمولاً در مواجهه با هیجانات منفی کودک، واکنش‌های مناسبی نشان نمی‌دهند و ممکن است در تنظیم هیجانات کودک ناکام بمانند. این واکنش‌های ناسازگارانه در بلندمدت می‌توانند منجر به بروز مشکلاتی مانند نافرمانی مقابله‌ای و سایر اختلال‌های رفتاری در کودک شوند.

اختلال‌های اضطرابی (anxiety disorders) گروهی از اختلال‌های روانی هستند که ویژگی اصلی آنها ترس یا اضطراب بیش از حد و مداوم است. مادران مبتلا به اضطراب غالباً در موقعیت‌های چالش‌برانگیز احساس ناامنی و بی‌اعتمادی می‌کنند. این احساس ممکن است در رفتارهایی مانند سرزنش کودک، نادیده گرفتن نیازهای هیجانی او یا ناتوانی در ارائه حمایت‌های مناسب نمود یابد. در نتیجه، مادران مضطرب ممکن است کودک را در مواجهه با هیجانات منفی‌اش تنها بگذارند یا واکنش‌هایی چون ترس و اجتناب (avoidance) نشان دهند که این امر تأثیر منفی بر رشد هیجانی کودک دارد.

یکی از متغیرهای مهم در تبیین این رابطه، نحوه واکنش مادر به هیجانات منفی (emotions negative) کودک است. واکنش‌های منفی مادر به هیجانات کودک می‌تواند احتمال بروز مشکلات رفتاری را افزایش دهند. این واکنش‌ها هنگام مواجهه با احساسات ناخوشایند کودک مانند ترس، خشم یا ناراحتی بروز می‌یابند و پیامدهای گوناگونی بر تحول رفتاری او دارند. واکنش‌های مادرانه ممکن است در قالب حمایت، همدلی و رفتار سازگارانه بروز کنند یا در مقابل، شامل نادیده گرفتن، سرزنش و تنبیه باشند.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که واکنش‌های حمایتی و همدلانه مادر می‌تواند تنظیم هیجانی کودک را تقویت کرده، تاب‌آوری او را افزایش دهند و احتمال بروز مشکلات رفتاری را کاهش دهند. در مقابل، واکنش‌های منفی همچون بی‌اعتنایی، سرزنش یا تنبیه، می‌تواند اضطراب، استرس و احساس ناامنی را در کودک افزایش داده و زمینه‌ساز مشکلات هیجانی و رفتاری شوند.

علاوه بر این، مادرانی که اضطراب بالایی دارند، غالباً واکنش‌های بیش‌ازحد حمایتی، اجتنابی یا تنبیهی به هیجانات منفی کودک نشان می‌دهند که هریک از این واکنش‌ها ممکن است به رفتارهای ناسازگارانه در کودک بینجامد. برای نمونه، حمایت افراطی می‌تواند

رفتارهای اجتنابی را در کودک تقویت کند، در حالی که واکنش‌های تنبیهی ممکن است احساس طردشدگی و پرخاشگری را افزایش دهند.

براساس نظریه تنظیم هیجان (گراس، ۲۰۲۴)، شیوه پاسخ‌دهی مادر به هیجانات کودک تأثیر مستقیمی بر یادگیری راهبردهای تنظیم هیجانی او دارد. هنگامی که مادر به صورت ناکارآمد به هیجانات منفی کودک پاسخ می‌دهد، احتمال به‌کارگیری راهبردهای غیرانطباقی در کودک افزایش می‌یابد و این امر ممکن است به بروز مشکلاتی مانند نافرمانی مقابله‌ای منجر شود. افزون بر این، نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۲) نشان می‌دهد که پاسخ‌های نامناسب مادر می‌تواند موجب شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ناایمن شوند که خود عاملی در افزایش مشکلات رفتاری کودک به شمار می‌آیند.

پژوهش‌های پیشین حاکی از آن‌اند که اضطراب مادر با اختلال‌های رفتاری و هیجانی، ازجمله نافرمانی مقابله‌ای در کودکان، رابطه دارد. با این حال، سازوکار دقیق این رابطه همچنان نیازمند بررسی است. آیا این رابطه مستقیم است یا متغیرهای میانجی در آن نقش دارند؟ شواهد نشان می‌دهد کودکانی که مادران‌شان واکنش‌های منفی به هیجانات‌شان نشان می‌دهند، بیشتر در معرض مشکلات رفتاری قرار دارند. در این راستا، می‌توان فرض کرد مادران مضطرب واکنش‌های منفی‌تری نسبت به هیجانات کودک خود نشان می‌دهند و این امر احتمال بروز نافرمانی مقابله‌ای را افزایش می‌دهد. با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه تعاملات والد-کودک، بررسی نقش میانجی واکنش مادر به هیجانات منفی کودک در این رابطه هنوز محدود است.

با توجه به اهمیت تعاملات مادر-کودک، بررسی نقش اضطراب مادر در نحوه واکنش او به هیجانات کودک و پیامدهای آن بر مشکلات رفتاری، به‌ویژه نافرمانی مقابله‌ای، ضرورتی دوچندان دارد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا تأثیر اضطراب مادر بر نافرمانی مقابله‌ای کودک از طریق واکنش‌های او به هیجانات منفی کودک اعمال می‌شود؟

• روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی با استفاده از مدل‌یابی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم ابتدایی شهر ملایر به همراه مادرانشان بود. جهت تعیین حجم نمونه، از نرم‌افزار جی‌پاور (G power) بهره گرفته شد و با در نظر گرفتن شیب ۰/۱۵۳، سطح معناداری ۰/۰۵ و توان آزمون ۰/۹۵، تعداد نمونه مورد نیاز ۴۵۴ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت. شرایط ورود به مطالعه شامل زنده‌بودن مادر، زندگی کودک با هر دو والد و تحصیل در مدارس معمولی بود؛ درحالی‌که عواملی مانند بی‌سوادی مادر و نبود تمایل به ادامه همکاری، به‌عنوان ملاک‌های خروج در نظر گرفته شدند. پس از اخذ تأییدیه اخلاقی از کمیته اخلاق دانشگاه ملایر و دریافت مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهر، فرایند نمونه‌گیری آغاز گردید. ابتدا به صورت خوشه‌ای، ۷ مدرسه دولتی (دخترانه و پسرانه) انتخاب شدند. سپس با هماهنگی مدیران مدارس، جلسه‌ای برای مادران دانش‌آموزان برگزار شد. در این جلسه، پژوهشگر دارای مدرک دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، مباحثی پیرامون رشد کودک و اختلال‌های رفتاری ارائه داد. در پایان، از مادران علاقه‌مند درخواست شد تا مقیاس‌هایی مرتبط با تنظیم هیجانی کودک، واکنش نسبت به هیجانات منفی او، و مشکلات رفتاری-هیجانی فرزندشان (فهرست رفتاری کودک) را تکمیل کنند. به شرکت‌کنندگان تأکید شد که شرکت در این پژوهش کاملاً داوطلبانه است، نیاز به ذکر اطلاعات شخصی وجود ندارد و در صورت خستگی یا نبود تمایل می‌توانند از پاسخ‌گویی صرف‌نظر کنند. مقیاس‌های تکمیل‌شده در همان جلسه جمع‌آوری شدند. همچنین، مادرانی که نسبت به وضعیت رفتاری فرزندشان نگرانی داشتند، از مشاوره کوتاه پژوهشگر بهره‌مند شدند. درنهایت، جهت آزمون مدل پژوهش، از نرم‌افزار آماری Smart-PLS3 استفاده شد.

• ابزارها

الف) مقیاس استرس، اضطراب و افسردگی (depression anxiety and stress scale-DASS): برای ارزیابی علائم افسردگی، اضطراب و استرس، از مقیاس ۲۱ ماده‌ای استرس، اضطراب و افسردگی DASS-21 استفاده شد. این مقیاس که نسخه کوتاه‌شده‌ای از DASS-42 است، برای اولین بار توسط لویباند و لویباند (۱۹۹۵) ارائه گردید و به منظور غربالگری نشانه‌های افسردگی، اضطراب و

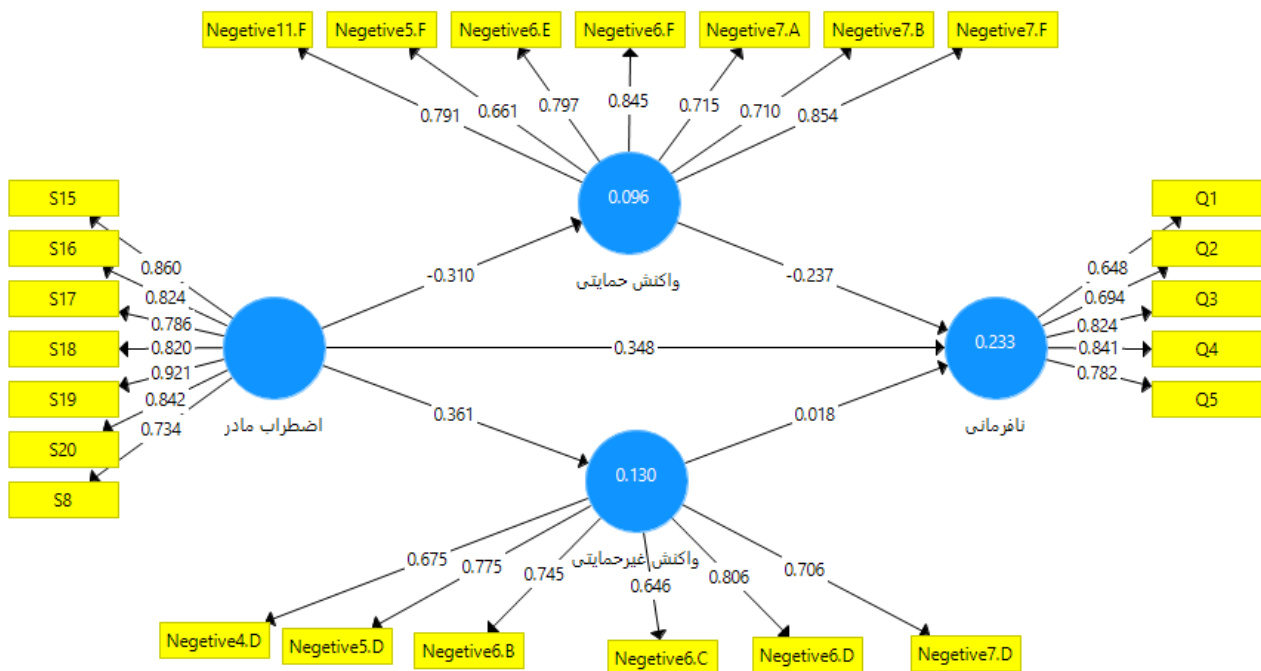
استرس در یک هفته گذشته طراحی شده است. DASS-21 از سه زیرمقیاس تشکیل شده که هرکدام شامل ۷ ماده هستند و پاسخ‌دهی به آنها به صورت خودسنجی و در طیفی از «هیچ‌وقت» تا «همیشه» صورت می‌گیرد. نمرات بالاتر در هر زیرمقیاس، نشان‌دهنده سطوح بالاتری از علائم مربوطه است. اعتبار این ابزار در مطالعات مختلف تأیید شده؛ به عنوان مثال، در پژوهش دوارته و همکاران (۲۰۱۶)، ۰/۸۸ برای افسردگی، ۰/۸۳ برای اضطراب و ۰/۸۹ برای استرس و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، برابر با ۰/۸۷ بود. صاحبی، سالاری و اصغری (۱۳۸۴) نیز اعتبار این مقیاس‌ها را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه نمودند که مقدار آن برای مقیاس افسردگی ۰/۷۷، مقیاس اضطراب ۰/۷۹ و مقیاس استرس یا تنیدگی ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین برای بررسی اعتبار ملاک از اجرای هم‌زمان پرسشنامه افسردگی بک، اضطراب زانگ و تنیدگی ادراک شده استفاده نمودند که همبستگی زیرمقیاس افسردگی با آزمون افسردگی بک ۰/۷۰، همبستگی زیرمقیاس اضطراب با آزمون اضطراب زانگ ۰/۶۷ و همبستگی زیرمقیاس استرس با آزمون تنیدگی ادراک شده ۰/۴۹ بود که همه آنها در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند.

ب) فهرست رفتاری کودک (child behavior checklist- CBCL): این ابزار که توسط آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) طراحی شده است، دارای دو فرم والدین و معلمان است که در این پژوهش از فرم والدین استفاده شد. این فهرست شامل ۱۱۳ ماده در مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای (صفر تا دو) بوده و مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان را در چندین حوزه از جمله اضطراب، افسردگی، نقص توجه/ بیش‌فعالی، اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای ارزیابی می‌کند. این ابزار از اعتبار و روایی مطلوبی برخوردار است. ضریب اعتبار آن در مطالعات خارجی بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۰ (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۳) و در مطالعات ایرانی بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۵ (مینایی، ۱۳۸۵) گزارش شده است.

ج) مقیاس واکنش به هیجانات منفی کودک (the coping with children's negative emotions scale - CCNES): مقیاس واکنش به هیجانات منفی کودکان که توسط فیبس و همکاران (۱۹۹۰) طراحی شده، شامل ۱۲ سناریوی فرضی است که والدین با استفاده از مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (۱= بسیار بعید تا ۷= بسیار محتمل) میزان استفاده از راهبردهای حمایتی (متمرکز بر مسئله، متمرکز بر هیجان و تشویق به ابراز هیجان) و غیرحمایتی (محروم کردن، کوچک‌شماری و پریشانی) را ارزیابی می‌کنند. مطالعات فیبس و همکاران (۲۰۰۲) نشان داد که این ابزار از اعتبار مطلوبی برخوردار است (آلفای کرونباخ ۰/۶۹ تا ۰/۸۵ و ضریب بازآزمایی ۰/۸۳ تا ۰/۹۷). در مطالعه‌ای که سووچ و همکاران (۲۰۱۱) انجام دادند، ضریب اعتبار این مقیاس از طریق همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰ گزارش شد. در پژوهش‌های داخلی نیز روایی سازه این مقیاس با تحلیل عاملی تأیید و ضریب آلفای کرونباخ آن بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۸ گزارش شده است (کوثری و اسماعیلی‌نسب، ۱۳۹۷). این مقیاس توسط والدین تکمیل می‌شود.

• یافته‌ها

در این پژوهش، ۴۵۴ دانش‌آموز مورد بررسی قرار گرفتند که از این تعداد، ۶۱/۶ درصد (۲۸۰ نفر) دختر و ۳۸/۴ درصد (۱۷۴ نفر) پسر بودند. بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان (۵۹/۲ درصد) در پایه اول دبستان تحصیل می‌کردند. از نظر جایگاه تولد، ۵۲/۵ درصد (۲۶۰ نفر) دانش‌آموزان، فرزند نخست خانواده بودند. میانگین سن دانش‌آموزان ۷/۱۱ سال با انحراف معیار ۰/۵۸۶ سال و میانگین سن مادران آنها ۳۳/۹ سال با انحراف معیار ۵/۳۷ سال گزارش شد. درخصوص سطح تحصیلات، ۸۶/۷ درصد از مادران دارای مدرک دیپلم یا تحصیلات پایین‌تر بودند و همچنین ۹۵/۵ درصد از آنها به عنوان خانه‌دار فعالیت داشتند. شکل ۱ نمای کلی روابط میان متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین روابط بین متغیرهای آشکار با سازه‌های مدنظر در این شکل نشان داده شده است. نتایج تحلیل معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از روش PLS-SEM در شکل ۱ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، این مدل به بررسی تأثیر اضطراب مادر بر نافرمانی با نقش میانجی‌گری واکنش‌های حمایتی و غیرحمایتی می‌پردازد. ضرایب مسیر نشان می‌دهند که اضطراب مادر به‌طور مستقیم و مثبت بر نافرمانی و به‌طور مستقیم و منفی بر واکنش حمایتی و به‌طور مستقیم و مثبت بر واکنش غیرحمایتی تأثیر معناداری دارد. علاوه بر این، واکنش حمایتی تأثیر منفی و غیرمعناداری بر نافرمانی دارد، درحالی‌که واکنش غیرحمایتی تأثیر مثبت و معناداری بر نافرمانی دارد.



شکل ۱. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم نقش میانجی واکنش‌های مادر به هیجانات منفی کودک در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی کودک

بررسی اعتبار و روایی سازه‌ها نشان داد که تمامی متغیرهای پنهان از لحاظ آلفای کرونباخ و اعتبار ترکیبی (CR) در سطح مطلوب قرار دارند. برای ارزیابی روایی همگرا از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. براساس معیار پیشنهادی سارست، رینگل و هر (۲۰۲۱)، مقدار AVE بالاتر از ۰/۵۰ بیانگر روایی همگرایی مناسب است. با این حال، طبق دیدگاه فورنل و لارکر (۱۹۸۱)، در صورتی که مقدار اعتبار ترکیبی بالاتر از ۰/۶۰ باشد، مقدار AVE بالای ۰/۴۰ نیز قابل پذیرش است. یافته‌ها نشان داد که تمامی سازه‌ها از نظر اعتبار و روایی، شرایط قابل قبولی دارند؛ به طوری که مقادیر آلفای کرونباخ و شاخص rho_A در تمامی موارد بیش از ۰/۷۰ گزارش شد و همچنین مقادیر AVE و CR نیز در محدوده مناسب قرار داشتند (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص‌های قابلیت اطمینان و روایی سازه‌ها

سازه	آلفای کرونباخ	rho_A	اعتبار ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
اضطراب مادر	۰/۹۲۳	۰/۹۳۳	۰/۹۳۸	۰/۶۸۶
نافرمانی	۰/۸۱۷	۰/۸۲۹	۰/۸۷۲	۰/۵۸۰
واکنش حمایتی	۰/۸۸۷	۰/۹۱۷	۰/۹۱۰	۰/۵۹۴
واکنش غیرحمایتی	۰/۸۳۴	۰/۸۹۸	۰/۸۷۰	۰/۵۳۰

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اضطراب مادر به صورت مستقیم و مثبت بر افزایش نافرمانی کودک تأثیر می‌گذارد ($\beta = ۰/۳۴۸, t = ۲/۷۶۰, p = ۰/۰۰۶$)؛ در حالی که به طور هم‌زمان باعث کاهش واکنش‌های حمایتی ($\beta = -۰/۳۱۰, t = -۲/۶۹۳, p = ۰/۰۰۷$) و افزایش واکنش‌های غیرحمایتی ($\beta = ۰/۳۶۱, t = ۳/۲۶۵, p = ۰/۰۰۱$) می‌شود. اگرچه واکنش‌های حمایتی مادر به تنهایی تأثیر منفی و معناداری بر نافرمانی کودک دارند ($\beta = -۰/۲۳۷, t = -۲/۱۶۹, p = ۰/۰۳۱$)، اما واکنش‌های غیرحمایتی تأثیر قابل توجهی بر این متغیر نشان نمی‌دهند ($\beta = ۰/۰۱۸, t = ۰/۱۴۰, p = ۰/۸۸۸$). هیچ‌یک از واکنش‌های والدین، چه حمایتی با ($\beta = ۰/۰۷۳, t = ۱/۶۵۱, p = ۰/۰۹۹$) و چه غیرحمایتی با ($\beta = ۰/۰۰۶, t = ۰/۱۱۹, p = ۰/۹۰۶$) به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی کودک عمل نمی‌کنند. این یافته‌ها حاکی از آن است که اضطراب مادر بیشتر به صورت مستقیم بر رفتار کودک تأثیر می‌گذارد و نقش واسطه‌ای واکنش‌های مادر در این رابطه معنادار نیست (جدول ۳).

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم، اثرات غیرمستقیم و سطح معناداری

مسیر	ضریب مسیر (β)	مقدار t	p
اضطراب مادر $\rightarrow$ نافرمانی	۰/۳۴۸	۲/۷۶۰	۰/۰۰۶
اضطراب مادر $\rightarrow$ واکنش حمایتی	-۰/۳۱۰	۲/۶۹۳	۰/۰۰۷
اضطراب مادر $\rightarrow$ واکنش غیرحمایتی	۰/۳۶۱	۳/۲۶۵	۰/۰۰۱
واکنش حمایتی $\rightarrow$ نافرمانی	-۰/۲۳۷	۲/۱۶۹	۰/۰۳۱
واکنش غیرحمایتی $\rightarrow$ نافرمانی	۰/۰۱۸	۰/۱۴۰	۰/۸۸۸
اضطراب مادر $\rightarrow$ واکنش حمایتی	۰/۰۷۳	۱/۶۵۱	۰/۰۹۹
اضطراب مادر $\rightarrow$ واکنش غیرحمایتی	۰/۰۰۶	۰/۱۱۹	۰/۹۰۶

جدول ۳ میزان ضریب تعیین و مقدار واریانس تبیین شده توسط مدل را نمایش می دهد. یافته ها بیانگر آن بودند که مدل مفهومی پژوهش قادر بوده است ۳/۲۳ درصد از واریانس نافرمانی کودک، ۶/۹ درصد از واریانس واکنش های حمایتی و ۱۳ درصد از واریانس واکنش های غیرحمایتی را توضیح دهد. ضریب تعیین (R^2) نشان دهنده سهمی از تغییرات متغیر وابسته است که به واسطه متغیرهای مستقل قابل پیش بینی است؛ به عبارت دیگر، این شاخص میزان موفقیت مدل را در پیش بینی تغییرات متغیر وابسته بیان می کند. مقدار این ضریب بین صفر تا یک قرار دارد و هرچه این عدد به ۱ نزدیک تر باشد، نشان دهنده دقت و توان پیش بینی بالاتر مدل است.

جدول ۳. ضریب تعیین (R^2)

سازه	R^2	R^2 Adjusted
نافرمانی	۰/۲۳۳	۰/۲۲۴
واکنش حمایتی	۰/۰۹۶	۰/۰۹۲
واکنش غیرحمایتی	۰/۱۳۰	۰/۱۲۷

شاخص SRMR (۰/۰۹۵) نشان دهنده برازش نسبتاً قابل قبول مدل است، اگرچه مقدار NFI (۰/۶۵۴) نشان دهنده برازش ضعیف مدل است. در مجموع می توان نتیجه گرفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار نیست؛ بنابراین نقش میانجی واکنش حمایتی و غیرحمایتی مادر به هیجانات منفی کودک تأیید نشد (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص های برازش مدل

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۹۵
NFI	۰/۶۵۴
Chi-Square	۱۴۳۳/۴۲۵

• بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی واکنش مادر به هیجانات منفی کودک در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی مقابله ای کودک انجام شد. یافته نخست نشان داد که اضطراب مادر با افزایش نافرمانی مقابله ای کودک رابطه مستقیم دارد؛ این نتیجه با مطالعات ساتسی و همکاران (۲۰۱۹)، فلک و همکاران (۲۰۲۳) و آریکان و همکاران (۲۰۲۵) هم راستا بود. مادران مضطرب، به سبب دشواری در تنظیم هیجانات خود، هیجانات منفی کودک را اغلب تهدیدزا تفسیر کرده و در پاسخ، از راهبردهایی چون اجتناب، خشم، تنبیه یا بی توجهی بهره می گیرند (هانتز و همکاران، ۲۰۲۱). این نوع واکنش ها در دوران حساس رشد کودک، می تواند به افزایش نایمنی، خشم و سردرگمی هیجانی منجر شده و زمینه ساز بروز رفتارهای نافرمانانه و مقابله ای شود (یانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ پرایس و کیل، ۲۰۲۲). در چارچوب نظریه دل بستگی (بالبی، ۱۹۸۲) و نظریه تنظیم هیجان گراس (۲۰۲۴)، پاسخ های ناکارآمد والدین به هیجانات کودک می توانند موجب شکل گیری سبک دل بستگی نایم و نیز الگوهای ناسازگار تنظیم هیجانی شوند که از عوامل زمینه ساز نافرمانی مقابله ای محسوب می شوند. بنابراین، اضطراب مادر نه تنها یک مسئله درون روانی فردی، بلکه یک منبع استرس محیطی برای کودک است که رشد هیجانی و رفتاری او را تحت تأثیر قرار می دهد (کوک و همکاران، ۲۰۲۲؛ تیان و همکاران، ۲۰۲۳).

یافته دوم حاکی از آن بود که اضطراب مادر با کاهش واکنش‌های حمایتی و افزایش واکنش‌های غیرحمایتی نسبت به هیجانات کودک همراه است؛ این نتایج در راستای پژوهش‌های گراس و همکاران (۲۰۲۳) و کیل و همکاران (۲۰۲۲) قرار دارد. مادران مضطرب معمولاً در مواجهه با هیجانات کودک دچار سردرگمی می‌شوند یا از تعامل اجتناب می‌کنند و توانمندی کافی برای ارائه پاسخ‌های همدلانه و تنظیم‌کننده را ندارند (بابایی و همکاران، ۱۴۰۳؛ اکبرزاده و همکاران، ۱۴۰۳). این مسئله منجر به افزایش واکنش‌های غیرحمایتی مانند طرد، تنبیه یا بی‌توجهی می‌شود (هانتز و همکاران، ۲۰۲۱؛ لین و همکاران، ۲۰۲۲). از منظر نظری، اضطراب مزمن می‌تواند منابع شناختی مادر را تضعیف کرده و به‌کارگیری راهبردهای ناکارآمد تنظیم هیجانی را افزایش دهد (گراس، ۲۰۲۴). همچنین، در چارچوب نظریه دل‌بستگی، اضطراب می‌تواند حساسیت و پاسخ‌دهی مطلوب مادر را کاهش داده و مانع از شکل‌گیری دل‌بستگی ایمن شود (بالبی، ۱۹۸۲).

با این حال، برخلاف انتظار، نتایج مدلیابی نشان داد که واکنش‌های هیجانی مادر (حمایتی و غیرحمایتی) نقش میانجی در رابطه بین اضطراب مادر و نافرمانی مقابله‌ای کودک ایفا نمی‌کنند. این یافته را می‌توان با توجه به چندین عامل تبیین کرد. اولاً، ممکن است تأثیر اضطراب مادر بر رفتار کودک از مسیرهای دیگری غیر از واکنش‌های هیجانی آشکار صورت گیرد. به‌عنوان مثال، ویژگی‌های سرشتی کودک مانند خلق‌وخوی دشوار یا تحریک‌پذیری بالا ممکن است مستقیماً بر رفتار نافرمانانه تأثیر گذاشته و در عین حال تعاملات مادر-کودک را نیز تحت تأثیر قرار دهند. علاوه بر این، عوامل ژنتیکی مشترک بین مادر و کودک می‌توانند هم در اضطراب مادر و هم در مشکلات رفتاری کودک نقش داشته باشند، بدون اینکه لزوماً از طریق واکنش‌های هیجانی مادر واسطه‌گری شوند. همچنین، استرسورهای محیطی مانند تعارضات زناشویی یا فشارهای اقتصادی ممکن است به‌طور هم‌زمان هم اضطراب مادر و هم نافرمانی کودک را افزایش دهند. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که روش‌های اندازه‌گیری مورد استفاده در این مطالعه نتوانسته باشند تمام ابعاد پیچیده واکنش‌های هیجانی مادر را به‌طور کامل ثبت کنند. به‌ویژه، پرسشنامه‌های خود گزارشی ممکن است نتوانند پاسخ‌های ظریف و لحظه‌ای مادران به هیجانات کودک را که در تعاملات واقعی رخ می‌دهد، به‌دقت ارزیابی کنند. همچنین، تفاوت‌های فرهنگی در بیان و درک هیجانات می‌تواند بر نحوه پاسخگویی مادران به هیجانات کودک تأثیر گذاشته باشد. در نهایت، این امکان وجود دارد که تأثیر اضطراب مادر بر رفتار کودک در طولانی‌مدت و از طریق مکانیسم‌های دیگری مانند الگوهای دل‌بستگی ناایمن یا نقص در خودتنظیمی هیجانی کودک ظاهر شود که در این مطالعه به‌طور مستقیم بررسی نشده‌اند. بنابراین، اگرچه یافته‌های حاضر از ارتباط بین اضطراب مادر و نافرمانی کودک حمایت می‌کنند، اما نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی مادر را تأیید نکردند که می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده برای بررسی مکانیسم‌های جایگزین باشد.

• نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش بر اهمیت توجه به نقش اضطراب مادر در شکل‌گیری رفتارهای ناسازگارانه کودک تأکید دارند. گرچه انتظار می‌رفت واکنش‌های هیجانی مادر در این فرایند نقش میانجی داشته باشند، اما داده‌ها نشان دادند که مسیر اثرگذاری اضطراب مادر پیچیده‌تر از آن است که تنها از طریق واکنش‌های هیجانی تبیین شود. این نتایج، ضرورت بررسی سایر عوامل میانجی یا تعدیل‌گر را برجسته می‌سازد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به استفاده از ابزارهای خودگزارشی، تمرکز بر مادران، و عدم بهره‌گیری از داده‌های چندمنبعی اشاره کرد. در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که از روش‌های مشاهده‌ای یا گزارش‌های معلمان استفاده شود و نقش پدران نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین بررسی متغیرهای تعدیل‌گر نظیر سبک فرزندپروری، ویژگی‌های خلقی کودک یا وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده می‌تواند بینش عمیق‌تری فراهم کند.

در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر تلویحاتی کاربردی نیز در بر دارد؛ از جمله طراحی مداخلات آموزشی برای ارتقای مهارت‌های تنظیم هیجان در مادران مضطرب، اجرای برنامه‌های پیشگیرانه زودهنگام، و توسعه خدمات حمایتی خانواده‌محور. آموزش تخصصی به معلمان برای شناسایی زودهنگام مشکلات رفتاری کودکان نیز می‌تواند گامی مؤثر در کاهش اختلال نافرمانی مقابله‌ای باشد.

• تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تعارض منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

از تمام افرادی که در انجام این پژوهش با ما همکاری داشتند، تشکر می‌نمایم.

• منابع

- اژه ای، جواد، صیادشیرازی، مریم، غلامعلی لواسانی، مسعود، و کسائی اصفهانی، عبدالرحیم. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان شناختی-رفتاری بر کاهش علائم اضطراب مادران دارای کودکان اتیسم. *مجله روانشناسی*، ۲۲(۱)، ۳-۲۱.
- تجلی، حجت‌الله، جاویدی، حجت‌الله، مهریار، امیرھوشنگ، و میرجعفری، مهدی. (۱۴۰۱). رابطه دشواری در تنظیم هیجان و سبک‌های والدگری مادران با نشانه‌های رفتار مخرب فرزندان. *روانشناسی، مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۳(۴)، ۱۶۰-۱۴۷.
- <https://doi.org/10.30495/jpmm.2022.19468..2529>
- حسنی، بهاره و طاهر، محبوبه. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر آموزش تنظیم هیجان بر حل مسئله اجتماعی، دانش هیجانی و تنظیم هیجانی کودکان پیش‌دبستانی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳(۲)، ۲۴۸۳-۲۴۸۹.
- <https://doi.org/10.22038/mjms.2020.17467>
- سپهری نسب، زهرا، بشرپور، سجاده، آقاجانی، سیف‌اله، و حاجلو، نادر. (۱۴۰۱). نقش کنترل تکانه، تحریک‌پذیری و سبک دلبستگی مادران در پیش‌بینی نشانه‌های نقص توجه-فزون‌کنشی کودکان. *مجله روانشناسی*، ۲۶(۲)، ۱۹۰-۱۹۹.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.18808436.1401.26.2.8.7>
- شریفی اصفهانی، محمود، فرح بخش، کیومرث، اسمعیلی، معصومه، سلیمی بجستانی، حسین، و عسگری، محمد. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی عوامل زمینه ساز اختلال نافرمانی مقابله‌ای کودکان. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۹۴)، ۱۲۸۱-۱۲۹۰.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.94.13.7>
- صاحبی، علی، اصغری، محمدجواد، و سالاری، راضیه سادات. (۱۳۸۴). اعتباریابی مقیاس افسردگی، اضطراب و تنیدگی آزمون (DASS-21) برای جمعیت ایرانی. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۱(۴)، ۲۹۹-۳۱۲.
- عبداله زاده رافی، مهدی. (۱۴۰۲). بررسی شیوع با و بدون همبودی اختلال‌های هیجانی-رفتاری در کودکان ۶ تا ۸ سال: نقش واکنش مادر به هیجانات منفی کودک. *مجله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۱۰(۵)، ۱۶۴-۱۷۶.
- <http://dx.doi.org/10.32598/shenakht.10.5.164>
- کسبی، زیبا. (۱۴۰۲). نقش شدت درگیری با کرونا و استرس کرونا در پیش‌بینی نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجیگری پرخاشگری والدین. *مجله روانشناسی*، ۲۷(۲)، ۲۲۴-۲۳۲.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.18808436.1402.27.2.2.8>
- کوثری، فرزانه و اسماعیلی نسب، مریم. (۱۳۹۷). رابطه سبک تنظیم شناختی هیجان مادران با نحوه واکنش آنها به هیجانات منفی کودکان. *خانواده پژوهی*، ۱۴(۲)، ۲۳۷-۲۵۱.
- نعمتی، شهرزاد، بدری گرگری، رحیم؛ خوش بهار، نازیلا و محمودی، الهه. (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه اجتماعی-هیجانی کودکان قوی بر توانمندی تنظیم هیجانی و کمک‌طلبی تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری ویژه. *ناتوانی های یادگیری*، ۱۳(۳)، ۷۰-۸۴.
- <https://doi.org/10.22098/jld.2024.13887.2123>
- Aggarwal, A., & Marwaha, R. (2024). *Oppositional Defiant Disorder*. In StatPearls. StatPearls Publishing.
- American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: Text revision (DSM-5-TR)*. American Psychiatric Publishing.
- Andersson, G., Paxling, B., Wiwe, M., Vernmark, K., Felix, C. B., Lundborg, L., Furmark, T., Cuijpers, P., & Carlbring, P. (2012). Therapeutic alliance in guided internet-delivered cognitive behavioral treatment of depression, generalized anxiety disorder and social anxiety disorder. *Behavior Research and Therapy*, 50(9), 544-550. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2012.05.003>
- Arikan, G., Acar, I. H., Kumru, A., & Ünsal, F. Ö. (2025). Maternal symptoms and emotional availability predicting children's behavior problems: A longitudinal study. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 97, 101753. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2024.101753>
- Bell, M. A. (2020). Mother-child behavioral and physiological synchrony. *Advances in Child Development and Behavior*, 58, 163-188. <https://doi.org/10.1016/bs.acdb.2020.01.006>
- Borelli, J. L., Burkhart, M. L., Rasmussen, H. F., Smiley, P. A., & Hellemann, G. (2018). Children's and mothers' cardiovascular reactivity to a standardized laboratory stressor: Unique relations with maternal anxiety and overcontrol. *Emotion*, 18(3), 369. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000320>
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Retrospect and prospect. *American Journal of Orthopsychiatry*, 52(4), 664-678. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1939-0025.1982.tb01456.x>

- Burke, J. D., Evans, S. C., & Carlson, G. A. (2022). Debate: Oppositional defiant disorder is a real disorder. *Child and Adolescent Mental Health*, 27(3), 297–299. <https://doi.org/10.1111/camh.12583>
- Cabrera, N. J., Cook, G. A., McFadden, K. E., & Bradley, R. H. (2011). Father residence and father-child relationship quality: Peer relationships and externalizing behavioral problems. *Family Science*, 2(2), 109–119. <https://doi.org/10.1080/19424620.2011.639143>
- Cooke, J. E., Deneault, A. A., Devereux, C., Eirich, R., Fearon, R. P., & Madigan, S. (2022). Parental sensitivity and child behavioral problems: A meta-analytic review. *Child Development*, 93(5), 1231–1248. <https://doi.org/10.1111/cdev.13797>
- Cui, Y., Li, F., Leckman, J. F., Guo, L., Ke, X., Liu, J., ... & Li, Y. (2021). The prevalence of behavioral and emotional problems among Chinese school children and adolescents aged 6–16: A national survey. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 30, 233–241. <https://doi.org/10.1007/s00787-020-01527-1>
- Duarte, J., & Pinto-Gouveia, J. (2016). Effectiveness of a mindfulness-based intervention on oncology nurses' burnout and compassion fatigue symptoms: A non-randomized study. *International journal of nursing studies*, 64, 98–107. <https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2016.10.002>
- Fabes, R. A., Eisenberg, N., & Bernzweig, J. (1990). *The coping with children's negative emotions scale: Description and scoring*. Unpublished manuscript. AZ: Department of Family Resources and Human Development, Arizona State University. <https://doi.org/10.1037/t36591-000>
- Fabes, R. A., Poulin, R. E., Eisenberg, N., & Madden-Derdich, D. A. (2002). The Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES): Psychometric properties and relations with children's emotional competence. *Marriage & Family Review*, 34(3–4), 285–310. https://doi.org/10.1300/J002v34n03_05
- Fleck, L., Fuchs, A., Sele, S., & others. (2023). Prenatal stress and child externalizing behavior: Effects of maternal perceived stress and cortisol are moderated by child sex. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 17(1), 94. <https://doi.org/10.1186/s13034-023-00639-2>
- Frick, P. J., & Kemp, E. C. (2021). Conduct disorders and empathy development. *Annual Review of Clinical Psychology*, 17(1), 391–416. <https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-081219-105810>
- Gonçalves, H., Soares, P. S. M., Dias, M. da S., Alves, E. D., Lessa, I. M., Danigno, J. F., Brina, K. R., Goularte, L. M., Silva, L. S. da, Cleff, M. M., Menezes, A. M. B., & Wehrmeister, F. C. (2025). Does maternal anxiety predict child behavioral problems? An examination of internalizing and externalizing behaviors in children of participants in a Brazilian cohort study. *Journal of Affective Disorders*, 376, 366–375. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.02.037>
- Gross, J. J. (2024). Conceptual foundations of emotion regulation. In J. J. Gross & B. Q. Ford (Eds.), *Handbook of emotion regulation* (3rd ed., pp. 3–12). The Guilford Press.
- Gross, J. T., Stern, J. A., Brett, B. E., Fitter, M. H., & Cassidy, J. (2023). Mothers' attachment style predicts response to child distress: The role of maternal emotions and attributions. *Journal of Child and Family Studies*, 32(3), 876–891. <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02517-5>
- Hanetz-Gamliel, K., Levy, S., & Dollberg, D. G. (2021). Mediation of mothers' anxiety and parenting in children's behavior problems during COVID-19. *Journal of Child and Family Studies*, 30, 2732–2743. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-02029-0>
- Hawes, D. J., Gardner, F., Dadds, M. R., Frick, P. J., Kimonis, E. R., Burke, J. D., & Fairchild, G. (2023). Oppositional defiant disorder. *Nature Reviews Disease Primers*, 9(1), 31. <https://doi.org/10.1038/s41572-023-00453-z>
- Jiang, Z., Wang, D., Xu, H., Zhang, A., Zhao, Q., Yan, J., ... & Li, Y. (2023). Diagnostic efficiency and psychometric properties of CBCL DSM-oriented scales in a large sample of Chinese school-attending students aged 5–16. *Asian Journal of Psychiatry*, 88, 103724. <https://doi.org/10.1016/j.ajp.2023.103724>
- Jones, L. B., Hall, B. A., & Kiel, E. J. (2021). Systematic review of the link between maternal anxiety and overprotection. *Journal of Affective Disorders*, 295, 541–551. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.08.032>
- Katzmann, J., Döpfner, M., & Görtz-Dorten, A. (2018). Child-based treatment of oppositional defiant disorder: Mediating effects on parental depression, anxiety and stress. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 27(9), 1181–1192. <https://doi.org/10.1007/s00787-018-1105-5>
- Kiel, E. J., Price, N. N., & Buss, K. A. (2021). Maternal anxiety and toddler inhibited temperament predict maternal socialization of worry. *Social Development*, 30(1), 258–273. <https://doi.org/10.1111/sode.12476>
- Lin, X., He, T., Heath, M., Chi, P., & Hinshaw, S. (2022). A systematic review of multiple family factors associated with oppositional defiant disorder. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(17), 10866. <https://doi.org/10.3390/ijerph191710866>
- Liu, J. (2004). Childhood externalizing behavior: Theory and implications. *Journal of Child & Adolescent Psychiatric Nursing*, 17(3), 93–103. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6171.2004.tb00003.x>
- Lotto, C. R., Altafim, E. R. P., & Linhares, M. B. M. (2024). Maternal emotional and behavioral regulation/dysregulation and parenting practices: A systematic review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(5), 3515–3533. <https://doi.org/10.1177/15248380221148900>
- Lovibond, S., & Lovibond, P. (1995). *Manual for the depression anxiety stress scales*. Sydney: Psychology Foundation of Australia; 1995. Retrieved from <https://www.worldcat.org>
- McKinney, C., Stearns, M., & Szkody, E. (2021). Maltreatment and affective and behavioral problems in emerging adults with and without oppositional defiant disorder symptoms: Mediation by parent-child relationship quality. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(5–6), 2612–2632. <https://doi.org/10.1177/0886260518759651>
- Mohammadi, M. R., Salmanian, M., & Keshavarzi, Z. (2021). The global prevalence of conduct disorder: A systematic review and meta-analysis. *Iranian Journal of Psychiatry*, 16(2), 205–215. <https://doi.org/10.18502/ijps.v16i2.6213>
- Mohammadi, M. R., Salmanian, M., Hooshyari, Z., Shakiba, A., Alavi, S. S., Ahmadi, A., ... & Ahmadi, N. (2019). Lifetime prevalence, sociodemographic predictors, and comorbidities of oppositional defiant disorder: The National Epidemiology of Iranian Child and Adolescent Psychiatric disorders (IRCAP). *Brazilian Journal of Psychiatry*, 42, 162–167. <https://doi.org/10.1590/1516-4446-2018-0186>
- Perry, N. B., Dollar, J. M., Calkins, S. D., Keane, S. P., & Shanahan, L. (2020). Maternal socialization of child emotion and adolescent adjustment: Indirect effects through emotion regulation. *Developmental Psychology*, 56(3), 541–552. <https://doi.org/10.1037/dev0000885>

- Price, N. N., & Kiel, E. J. (2022). Longitudinal links among mother and child emotion regulation, maternal emotion socialization, and child anxiety. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 50(2), 241–254. <https://doi.org/10.1007/s10802-021-00855-y>
- Purwati, & Japar, M. (2017). Parents' education, personality, and their children's disruptive behaviour. *International Journal of Instruction*, 10(3), 227–240. <https://doi.org/10.12973/iji.2017.10315a>
- Sacco, R., Camilleri, N., & Umla-Runge, K. (2021). The prevalence of oppositional defiant disorders among young people in Europe: A systematic review and meta-analysis. *European Psychiatry*, 64(S1), S639–S640. <https://doi.org/10.1192/j.eurpsy.2021.1696>
- Spinrad, T. L., & Eisenberg, N. (2023). Parental socialization of children's emotion and its regulation. In J. Roskam & M. Mikolajczak (Eds.), *Emotion regulation and parenting* (pp. 166–186). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-27901-9_8
- Tesli, N., Jaholkowski, P., Haukvik, U. K., Jangmo, A., Haram, M., Rokicki, J., ... & Andreassen, O. A. (2024). Conduct disorder—a comprehensive exploration of comorbidity patterns, genetic and environmental risk factors. *Psychiatry Research*, 331, 115628. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2024.115628>
- Tian, L., Zhou, Z., & Huebner, E. S. (2023). Association between emotional abuse and depressive symptoms in Chinese children: The mediating role of emotion regulation. *Child Abuse & Neglect*, 139, 106135. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2023.106135>
- Tsotsi, S., Broekman, B. F. P., Sim, L. W., Shek, L. P., Tan, K. H., Chong, Y. S., Qiu, A., Chen, H. Y., Meaney, M. J., & Rifkin-Graboi, A. (2019). Maternal anxiety, parenting stress, and preschoolers' behavior problems: The role of child self-regulation. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, 40(9), 696–705. <https://doi.org/10.1097/DBP.0000000000000737>
- Yang, Y., Song, Q., Doan, S. N., & Wang, Q. (2020). Maternal reactions to children's negative emotions: Relations to children's socio-emotional development among European American and Chinese immigrant children. *Transcultural Psychiatry*, 57(3), 408–420. <https://doi.org/10.1177/1363461519898336>